

آگوست

پسری که می خواست عادی باشد



نویسنده: آ. جی. پالاسیو
مترجم: توروش ساسانی

پالاسیو آر. ج. J. Palacio.	سرشناسه
آگوست / نویسنده آر. جی. پالاسیو مترجم کوروش ساسانی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: مهراب قلم، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر
۲۸۰ ص.	مشخصات ظاهری
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
عنوان اصلی: August.	یادداشت
داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.	موضوع
۲th century -- Children's stories, English	موضوع
ساسانی، کوروش، ۱۳۶۱ -- مترجم	شناسه افزوده
۱۳۹۵ پ/۲۷۷	رده بندی کنگره
۸۱۲/۸۲۳ ج	رده بندی دیویی
۲۲۲۵۷۲	شماره کتابشناسی ملی

رمان نوجوان

آگوست

پسری که می‌خواست عادی باشد

زیر نظر شورای بررسی رمان

دبیر: شهرام اقبال زاده

نویسنده: آر. جی. پالاسیو

مترجم: کوروش ساسانی

ویراستار: پژمان واسعی

مدر هنری و طراح گرافیک: کیانوش غریب‌پور

صفحه‌آرا: محسن شجاعی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: صاحب

چاپ: دانش پزوه

شابک ۱۸۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸



کتاب‌های مهتاب
واحد کودک و نوجوان مهراب قلم

www.mehrab-e-ghalam.ir

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،

خیابان شهدای ژاندارمری، شماره‌ی ۱۰۴

صندوق پستی ۵۶۸-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۰-۶۶۴۹۰۸۷۹

نماینده: ۶۶۴۱۸۱۹۰

سامانه پیام‌رسان: ۰۲۱۶۶۴۶۵۲۰۱

مقدمه

"آگوست" داستان پسری است که می‌خواهد در نگاه دیگران عادی و معمولی باشد. او در دو دنیا زندگی می‌کند، دنیای درونی خود و دنیای درون خانواده‌اش. حالا پدر و مادرش تصمیم گرفته‌اند تا او را به دنیای سومی هم بفرستند. دنیای بیرون. همه‌ی داستان از همین مواضع شروع می‌شود. کاری که نه تنها راحت و آسان نیست بلکه برای اوگی (نام خودمانی آگوست) خیلی هم سخت و دشوار است. پا گذاشتن به دنیای بی‌رحم بیرون کار آسانی نیست. اما اوگی پسری است باهوش، شوخ‌طبع و جسور. پسری که می‌تواند. هر چند که آن اوایل، وقتی با پدر و مادرش اصرار دارند که او حتماً به این دنیا پا بگذارد، مقاومت می‌کند. از طرف دیگر، "آگوست" رمانی است در ستایش «دوستی» و درک ارزش و اهمیت دوستی. اوگی برای رسیدن به آدم‌های جورواجور راه پُریچ و خمی را طی می‌کند. اما شخصیت دوست داشتنی او، با اوام جاذب و دلنشینی می‌سازد و او از این راه پُریچ و خم عبور می‌کند.

داستان نوشته شدن این رمان، جای خود شنیدنی است. خانم پالاسیو می‌گوید: ایده‌ی نوشتن این کتاب زمانی به ذهنم رسید که در پاییز سال ۲۰۰۷ با دوپرم در حومه‌ی شهر نیویورک به دختر بچه‌ای بر سر کتیم که سند. «تریچر کالینز» داشت. در ابتدا، واکنش خودم نسبت به دختر باعث وحشت ام شد. این فکر افتادم که اگر پسر سه ساله‌ام، این دختر را ببیند حتماً جیغ می‌زند. برای همین فوراً رجايم بلند شدم و به پسرهایم گفتم که برویم. همان زمان صدای مادر این دختر را شنیدم که «آرام‌تر بن صدای ممکن به دخترش گفت که وقتش رسیده که برویم خانه. با دیدن این صحنه داستان و برای مادر و دختر که هر روز بارها و بارها چنین صحنه‌هایی را می‌بینند، ناراحت شد.

"آگوست" رمانی است در هشت بخش که از زبان پنج شخصیت روایت می‌شود. سه تا از روایت‌ها برای خود اوگی است. چهار تای دیگر برای دوست او، اوگوست. یک روایت هم از زبان خواهرش بیان می‌شود. گاهی در بین این روایت‌ها یک اتفاق و رخداد، زبان چند راوی متفاوت بیان می‌شود. جایی که می‌بینیم نگاه هر کدام از شخصیت‌ها به موضوع می‌تواند روی حسن و احساس ما تأثیر بگذارد.

در پایان، ممنونم از دوست خوبم خانم آزاده کامیار که در تمام مراحل ترجمه، ویراستاری و چاپ این کتاب، از هیچ کمکی دریغ نکرد و بزرگوارانه تجربیاتش را در اختیار من گذاشت. همچنین از آقایان مسعود ملک‌یاری، شهرام اقبال‌زاده و محبت همتی و همین‌طور همکاران محترم نشر محراب قلم نیز سپاسگزارم که شرایط لازم برای چاپ این کتاب را فراهم کردند.